

افراد موفق

چگونه فکر می کنند؟

افکار تان را تغییر دهید تا زندگی تان تغییر کند

■ نویسنده:

جان سم مک گول

■ مترجم:

گیتی شهیدی

■ ویراستار:

الناز خجسته



سرشناسه : ماکسول، جان سی، ۱۹۴۷ - م. Maxwell, John C.

عنوان و نام پدیدآور : افراد موفق چگونه فکر می کنند؟ : افکارشان را تغییر دهید تا زندگیشان تغییر کند/ نویسنده جان سی مکسول ؛ مترجم گیتی شهیدی؛ ویراستار الناز خجسته.

مشخصات نشر : تهران: آرایان، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری : ۱۴۴ ص.

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۳۳-۶۹-۹

وضعیت فهرست نویسی : فیا.

یادداشت : عنوان اصلی: How successful people think change your thinking, change your life.

موضوع : موفقیت -- جنبه های روان شناسی.

موضوع : اندیشه و تفکر

شناسه افزوده : شهیدی، عزت الملوک، ۱۳۴۹ - مترجم.

شناسه افزوده : خجسته، الناز، ۱۳۶۶ -، ویراستار.

رده بندی کنگره : ۱۳۹۴ ۱۶۳ م ۱۶۳ / م ۶۳۷ BF

رده بندی ده : ۱۵۸

شماره کتابشناختی ملی : ۴۰۵۲۳۳۱



نام کتاب	افراد موفق چگونه فکر می کنند؟
نویسنده	جان سی مکسول
مترجم	گیتی شهیدی
ویراستار	الناز خجسته
ناظر چاپ	علی غلامی
تاریخ چاپ	اول، ۱۳۹۵
شمارگان	۱۰۰۰ نسخه
قیمت	۸۰۰۰ تومان
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۷۱۳۳-۶۹-۹

تهران: خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، کوچه فاطمی داربان، پلاک ۶، طبقه اول

تلفن: ۶۶۹۷۱۳۴۴ - ۶۶۴۰۰۳۳۵

پست الکترونیک: info@arayanbook.com سایت: www.arayanbook.com

« حق چاپ و نشر مجدد این اثر (یا بخشی از آن) برای انتشارات آرایان محفوظ است. »

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۹	 مقدمه
۲۱	 فصل اول: خود را به بزرگ فکر کردن عادت دهید
۲۲	 به طور عمدی گوش بدهید
۲۳	 افق دید خود را گسترش دهید
۲۷	 چگونه برای فکر کردن به هدف بزرگ، به حکمت آید؟
۳۱	 فصل دوم: متمرکز فکر کنید
۳۳	 فکر خود را باید در کجا متمرکز کنید؟
۳۱	 شایستگی‌ها و موهبت‌های خود را کشف کنید
۳۵	 رؤیای خود را گسترش دهید
۳۵	 چگونه متمرکز باقی بمانید؟
۳۹	 برای پیشرفت خود چه چیز را رها می‌کنید؟
۳۹	 نمی‌توانم با همه مردم آشنا باشم و آن‌ها را بشناسم
۳۹	 نمی‌توانم همه کارها را خودم انجام دهم

۴۰	 نمی‌توانم به همه‌جا بروم
۴۰	 خوب است که حواس‌پرت نیستیم؟
۴۳	 فصل سوم: تفکر خلاقانه را مهار کنید
۴۴	 ویژگی‌های افرادی که خلاقانه فکر می‌کنند
۴۴	 کسانی که خلاق فکر می‌کنند به ایده‌ها ارزش می‌گذارند
۴۴	 افراد خلاق، راه‌حل‌ها را کشف می‌کنند
۴۵	 افرادی که خلاقانه فکر می‌کنند از ابهام استقبال می‌کنند
۴۵	 افراد بر نوردن تفکر خلاقانه، شکست‌های خود را جشن می‌گیرند
۴۵	 افراد متفکر خلاق، روابط، بی‌ارتباط را به هم ربط می‌دهند
۴۶	 فکر کنید، اطلاعات جمع کنید، بیافرینید، اصلاح کنید
۴۶	 افرادی که خلاقانه می‌اندیشند شکست نمی‌ترسند
۴۷	 چرا باید شادی تفکر خلاقانه را کشف کنید؟
۴۹	 چگونه شادی حاصل از تفکر خلاق کشف کنیم؟
۵۷	 فصل چهارم: از تفکر واقع‌گرایانه استفاده کنید
۵۷	 واقعیت را بررسی کنید
۵۸	 چرا باید از اهمیت تفکر واقع‌گرایانه باخبر باشیم؟
۶۱	 چگونه به اهمیت فکر واقع‌گرایانه پی ببریم؟
۶۷	 فصل پنجم: از تفکر راهبردی (استراتژیک) استفاده کنید
۶۸	 برای زندگی خود برنامه بریزید و طبق آن زندگی کنید
۶۹	 چرا باید قدرت تفکر راهبردی را آزاد کنید؟
۷۲	 چگونه قدرت تفکر راهبردی را آزاد کنید؟

- فصل ششم: فکر کردن به موارد ممکن را کشف کنید ۷۹
- چگونه انرژی حاصل از فکر کردن به ممکن ها را احساس کنیم؟ ۸۳
- فصل هفتم: از تفکر انعکاسی درس بگیرید ۹۱
- چگونه از درس های حاصل از تفکر انعکاسی استقبال کنیم؟ ۹۵
- فصل هشتم: درباره افکار معروف سؤال کنید ۱۰۱
- چرا باید درباره افکار مشهور و شناخته شده سؤال کنید؟ ۱۰۳
- تفکر عمومی نقطه نتایج متوسط به وجود می آورد ۱۰۶
- چگونه درباره پذیرش افکار عمومی سؤال کنیم؟ ۱۰۶
- فصل نهم: از تفکر مشترک به هدف رسیدن ۱۱۳
- چگونه شرکت در تبادل فکری و هم فکری را ترویج کنیم؟ ۱۱۶
- فصل دهم: تفکر غیر خود خواهانه را تمرین کنید ۱۲۳
- چگونه از تفکر عاری از خود خواهی کسب رضایت کنیم؟ ۱۲۷
- تا زمانی که زنده اید، ببخشید ۱۳۰
- فصل یازدهم: به تفکر نهایی تکیه کنید ۱۳۷
- هدف بدون سود ۱۳۴
- چرا باید از نتیجه فکر کردن به هدف لذت ببریم؟ ۱۳۶
- چگونه از نتیجه فکر کردن به هدف بهره مند شویم؟ ۱۳۸
- فصل دوازدهم: فکر نهایی ۱۴۳



مقدمه

افراد خوش فکر همیشه مورد تقاضا هستند. فردی که می داند چگونه کاری را انجام دهد همیشه شغل دارد؛ اما کسی که دلیل آن را می داند همیشه رئیس خود است. افراد خوش فکر مشکلات را حل می کنند، هرگز از ایده هایی که سازمانی را شکل می دهد خالی نیستند و همیشه به آینده ای بهتر امیدوارند. آن ها به بندرت خود را مورد ترحم افراد ظالم قرار می دهند که از آن ها بهره می کشند یا می کوشند فریبشان دهند؛ مانند دیکتاتورانی چون آدولف هیتلر، که زمانی گفتند: «برای حاکمان، چه شانسی...» از این که دیگر زبردستانشان فکر نمی کنند.» کسانی که فرایند خوب فکر کردن را پرورش دهند، حاکم بر خود هستند؛ حتی وقتی زیرنفوذ حاکمی سرخپوش به آن ها در شرایطی دشوار دیگری قرار دارند. خلاصه، افراد خوش فکر موفق اند.

من چهل سال زندگی افراد موفق را مطالعه کرده ام. با وجود این که تنوعی که در زندگی شان مشاهده می کنید عجیب است، دریافته ام همه آن ها از لحاظ شیوه تفکر شبیه هم اند! از همین روست که افراد موفق را از افراد ناموفق جدا می کند. اینک خبر خوشی به شما می دهیم. شیوه تفکر افراد موفق را می توان آموخت. اگر تفکر خود را تغییر دهید، زندگی تان تغییر می کند!

چرا باید طرز فکر خود را تغییر دهید؟

فرایند تغییر دادن فکر بسیار دشوار است. تفکر خوب می‌تواند کار بسیاری برایتان انجام دهد؛ از جمله آن که درآمدزایی کند، مشکلات شما را حل کند و فرصت‌هایی را به وجود آورد. حتی می‌تواند شما را به سطح کاملاً جدیدی برساند؛ هم از لحاظ شخصی و هم حرفه‌ای. آری، طرز فکر به‌راستی می‌تواند زندگی شما را تغییر دهد.

اینک به مواردی که برای دگرگونی تفکر خود نیاز دارید توجه کنید:

۱. **تغییر نگرش آزادی نیست؛ متأسفانه، تغییر نگرش و تفکر به‌خودی‌خود صورت نمی‌گیرد.** ایده‌ای خوب به‌ندرت به‌سراغ افراد می‌آیند و آن‌ها را پیدا می‌کنند. اگر خواهان یافتن ایده‌های خوب هستید، باید آن‌ها را جست‌وجو کنید. اگر می‌خواهید بهتر شوید، باید روی آن فکر کنید و وقتی بهتر فکر کردید، ایده‌های خوب مدام به‌سراغتان می‌آیند. درحقیقت، خوب فکر کردن شما پیش از هر چیز به مقدار خوش‌بینی‌تان بستگی دارد.

۲. **تغییر نوع نگرش، کاری دشوار است.** وقتی کسی می‌گوید: «ایده‌ای در ذهنم جرقه زده است»، منتظر سختی‌های بسیار باشید. کسانی که معتقدند فکر کردن آسان است، همان افرادی هستند که برحسب شدت آن کار را انجام نداده‌اند. آلبرت اینشتین، برنده جایزه نوبل و یکی از بزرگ‌ترین اندیشمندان، تأکید داشت: «فکر کردن کار سختی است. به همین علت است که عدد کمی فکر می‌کنند.» از آن‌جا که فرایند بسیار دشوار است، می‌خواهید از هر آن‌چه می‌توانید برای کمک به بهبود آن استفاده کرده و کمک بگیرید.

تغییر دادن فکر، ارزش سرمایه‌گذاری را دارد

ناپلئون هیل، نویسنده مشهور، گفت: «بیشتر از مقداری که از زمین طلا استخراج شده از ذهن انسان می‌توان طلا استخراج کرد.» وقتی زمانی را

صرف یادگیری نحوه تغییر دیدگاه و نگرش خود می‌کنید و بهتر فکر می‌کنید، در اصل روی خود سرمایه‌گذاری می‌کنید. معادن طلا ته کشیدند، بازارهای سهام ورشکست شدند و سرمایه‌گذاری‌های املاک روبه کساد می‌روند؛ اما ذهن انسان با توانایی خوب فکر کردن همانند معدن الماسی است که هرگز تمام نمی‌شود و این بی‌قیمت است.

چگونه بهتر فکر کنیم؟

آیا می‌خواهید فرایند خوش‌فکری مسلط شوید؟ آیا می‌خواهید فردا بهتر از امروز فکر کنید؟ پس لازم است در فرایندی دائمی شرکت کنید که تفکر شما را بهبود ببخشد. از این روش به شما توصیه می‌کنم موارد زیر را انجام دهید:

۱. خود را در معرض داده‌ها و نیروی‌های خوب قرار دهید: افراد خوش‌اندیش و خوش‌فکر، همیشه به‌ایستادگی بسیار مجهزند و به‌دنبال مواردی هستند تا فرایند فکر کردن را آغاز کنند زیرا هرچه به فکر خود بدهید، بر آن چه از آن می‌گیرید تأثیر می‌گذارد. کتاب بخوانید، مجله‌های تجاری را مرور کنید. به نوار گوش دهید و وقت خود را با افراد خوش‌فکر سپری کنید. هنگامی که موضوعی شما را فریب داد، خواه ایده و نظر دیگری یا بذر ایده‌ای که به ذهن خود شما رسید، آن را درمقابل خود نگاه دارید، بنویسید و در جایی که دوست دارید قرار دهید؛ یعنی جایی که اندیشه و تفکر شما را تحریک کند.

۲. با افراد خوش‌فکر و خوش‌اندیش همنشین شوید: وقت خود را با افراد مناسب سپری کنید. مثل من که در این بخش، همین کار را انجام دادم و ایده‌هایم را از عده‌ای افراد مهم گرفتم؛ به‌گونه‌ای که افکارم گسترش یافتند و به وجود موردی درباره خودم پی بردم. همه کسانی که دوستان صمیمی یا

همکاران خود می‌دانم، افرادی خوش فکر هستند. حال به همه مردم عشق می‌ورزم، سعی می‌کنم با هر کسی که برخورد می‌کنم مهربان باشم و قصد دارم تا آن‌جا که امکان دارد به ارزش افراد بسیاری از طریق همایش، کتاب، درس‌های سمعی و غیره بیفزایم. اما کسانی که به دنبال آن‌ها می‌گردم و تصمیم می‌گیرم وقتم را با آن‌ها سپری کنم، مرا با اعمال و افکارشان به چالش می‌خوانند، مدام می‌کوشند رشد کنند و یاد بگیرند که همسر من یکی از آن‌هاست، همین‌طور دوستانم و مدیرانی که شرکت مرا اداره می‌کنند. تک‌تک آن‌ها افرادی خوش فکر هستند!

نویسنده سرب‌ال‌سرها دریافت که افراد باهوش یکدیگر را باهوش‌تر و تندتر می‌کنند؛ دردت مثل آهن که آهن دیگر را تیز می‌کند. اگر می‌خواهید متفکری باهوش باشید با افراد باهوش هم‌صحبت شوید.

۳. به افکار خوب فکر کنید: برای خوش فکر و مثبت‌اندیشی، باید فرایند فکر خود را عمدی کنید. به این منظور، مدام خود را در مکانی مناسب قرار دهید تا به چیزهای خوب فکر کنید، آن‌ها را گسترش دهید و بدین ترتیب افکار خود را پرورش دهید. خوب فکر کردن را اولویت خود قرار دهید و یادتان باشد که فکر کردن نوعی نظم و انضباط است.

به‌تازگی با دن کاتی، رئیس شرکت چیک‌فیلا، در مرکز اصلی فروشگاه زنجیره‌ای فست‌فود در منطقه آتلانتا صبحانه خوردم. به او گفتم روی این کتاب کار می‌کنم و پرسیدم آیا او زمان فکر کردن را اولویت زندگی خود می‌داند یا نه. نه تنها پاسخ مثبت بود، بلکه درباره این‌که «برنامه فکر کردن» را چه نامگذاری کرده صحبت کرد. او گفت فکر کردن کمکش می‌کند با سرعت با آن‌چه مانع تفکر عمدی می‌شود، مبارزه کند. دن می‌گوید که زمانی را برای فکر کردن مشخص می‌کند و هر دو هفته یک‌بار نصف روز به این کار مشغول می‌شود و ماهی یک روز، کامل فکر می‌کند و سالی دو یا

سه روز، کامل به تفکر می‌پردازد.

دن می‌گوید: «این کمکم می‌کند موارد اصلی و مهم را در نظر داشته باشم، چون حواس من، خیلی ساده و سریع پرت می‌شود.»
 شاید بخواهید کاری مشابه انجام دهید یا برنامه و روش خاص خود را توسعه دهید. مهم نیست تصمیم به انجام چه کار می‌گیرید، به مکان مخصوص فکر کردن خود بروید، قلم و کاغذ بردارید و اطمینان یابید که با نوشتن، به ایده‌های خود می‌رسید.

۴. روی افکار خوب خود اقدام کنید: افکار آدمی تاریخ مصرف کوتاهی دارند. به همین دلیل، تمهید می‌شود پیش از انقضا از آن‌ها استفاده کنید. افسر خلبان جنگ جهانی اول، ادی ریکنباکر، سخن خود را با این جمله کامل‌تر کرد: «من فرمودی برای موفقیت به شما می‌دهم: نخست به هر چیز فکر کنید؛ سپس آن فکر را دنبال کنید.»

۵. اجازه دهید هیجانات و احساسات شما، فکر خوب دیگری باشد: برای آغاز فرایند فکر کردن، نمی‌شود فقط بر احساسات خود تکیه کنید. من در کتاب به‌سوی شکست، نوشتم خدای زودت از آن‌که کاری را عملی کنید، می‌توانید روی احساس خود اقدام کنید. اگر منتظر شوید تا وارد عمل شوید، هرگز کاری انجام نخواهید داد. همین نکته در مورد فکر کردن شما نیز صادق است. نمی‌توانید منتظر شوید تا احساس کنید که می‌خواهید درباره‌ی انجام آن فکر کنید. هرچند، من دریافته‌ام که وقتی در فرایند فکر خوب قرار می‌گیرید، می‌توانید از هیجانات خود برای تغذیه‌ی این فرایند و ایجاد تکانش ذهنی استفاده کنید.

این موضوع را درباره‌ی خود امتحان کنید. پس از آن‌که وارد فرایند منظم تفکر مداوم و موفق شدید، به خود اجازه دهید این لحظه را درک کرده و دوست بدارید و بکوشید از انرژی ذهنی آن موفقیت بهره ببرید. اگر شما هم

مثل من هستید، شاید به افکار و ایده‌های مفید دیگری دست یابید.

۶. **این فرایند را تکرار کنید:** فقط با یک فکر خوب نمی‌توان زندگی خوبی ساخت. کسانی که فقط یک فکر خوب دارند و می‌کوشند آن را برای تمام حرفه خود به کار ببرند، اغلب به بدبختی و فلاکت دچار می‌شوند. آن‌ها نویسندگانی هستند که فقط یک کتاب نوشته‌اند، سخنرانانی‌اند که یک پیام را به مخاطبان‌شان انتقال می‌دهند و مخترعینی هستند که تمام زندگی خود را صرف تقلا برای حمایت یا ارتقای همان یک ایده خود می‌کنند. موفقیت به کسی که کسی می‌آید که کوهی از طلا دارند که مدام آن را حفاری می‌کنند؛ نه کسی که فقط یک کلوچه پیدا می‌کنند و می‌کوشند پنجاه سال را با آن سر کنند. برای تبدیل شدن به کسی که می‌تواند طلای فراوانی استخراج کند، باید مدام فرایند خوب فکر کردن را تکرار کنید.

برای فکر کردن، خود را در مکانی مناسب قرار دهید

خوش فکر شدن، کاری پیچیده و ساده‌ای نیست، بلکه نوعی انضباط خاص است. اگر شش موردی را که گفتم انجام دادید، خود را در شیوه زندگی بهتر فکر کردن قرار داده‌اید؛ اما برای این که هر روز ایده‌های خاصی به ذهن شما برسد چه باید بکنید؟

اینک می‌خواهم فرایندی را به شما آموزش دهم که برای کشف و پرورش افکار خوب به کار برده‌ام که نه تنها به یقین نتیجه می‌دهد، بلکه برای من نیز کارساز واقع شده است:

۱. **برای فکر کردن مکان خوبی پیدا کنید:** اگر برای فکر کردن به مکان معین خود بروید و انتظار به وجود آوردن افکار خوب را داشته باشید، آن گاه در نهایت به افکار خوب خواهید رسید. بهترین مکان برای فکر کردن کجاست؟ برای هر فرد، مکان مناسب متفاوت است. عده‌ای هنگام دوش گرفتن به بهترین موضوعات فکر می‌کنند. عده‌ای دیگر مثل دوستم دیک بیگز، دوست

دارد برای فکر کردن به پارک برود. برای من بهترین مکان، داخل ماشین، هواپیما و در چشمه آب معدنی است. ایده‌ها در جاهای دیگر هم به سراغ من می‌آیند؛ مثل زمانی که در رخت‌خواب هستم (من کنار تخت خوابم قلم نوری مخصوصی دارم که در چنین مواقعی از آن استفاده می‌کنم). ایمان دارم که افکار اغلب به ذهنم خطور می‌کنند، زیرا عادت کرده‌ام مدام به محل تفکر خودم برم. اگر می‌خواهید همواره ایده‌هایی را ایجاد کنید، به یقین لازم است این کار را انجام دهید. ابتدا مکانی بیابید که در آن بتوانید فکر کنید، و بنابر برنامه‌ریزی دقیق افکار خود را روی کاغذ بنویسید تا آن‌ها را از دست ندهید. وقتی جایی برای تفکر یافتم، افکارم هم جایی در درون من برای خود پیدا کردند.

۲. مکانی را برای شکل دادن به افکار خود بیابید: به‌ندرت پیش می‌آید که ایده‌ها کامل شش بگی‌ند. نتیجه بدهند. در عوض بیشتر اوقات، باید به آن‌ها شکل بدهید تا به مرحله «ماد» درآید. به‌قول دوستانم دن ریلند، آن‌ها باید از آزمایش شفافیت و بررسی‌های رر کنند. در زمان شکل‌گیری فکر، می‌خواهید ایده‌ای را آن‌قدر نگه دارید تا به دقت بررسی شود. بارها فکری که در اواخر شب، عجیب به نظر رسیده، صبح‌ها بسیار آهسته‌آهسته جلوه می‌کند. درباره نظرات خود سؤال کنید. یکی از بهترین راه‌های پرسیدن، این است که افکار خود را بنویسید. اس‌آی‌هایاگاوا، رئیس و استاد دانشگاه، فرستاد: «اگر به نوشتن عادت کنید به فکر کردن هم عادت می‌کنید. تا زمانی که منشی را ننویسید، آن را به درستی درک نمی‌کنید.»

هنگام شکل‌دهی افکارتان، درمی‌یابید که آیا ایده شما پتانسیل دارد یا نه. در نتیجه می‌فهمید چه چیزهایی دارید و به‌نکاتی درباره خود پی می‌برید. مانند:

- **شوخی:** افکاری که کار نمی‌کنند و نتیجه‌ای نمی‌دهند و اغلب موجب خنده می‌شوند.

- **فروتنی:** لحظاتی که با خدا ارتباط برقرار می‌کنم مرا به حیرت وامی‌دارد.
- **هیجان:** دوست دارم ایده‌ام را در ذهنم اجرا کنم که آن را «آینده‌سازی» می‌نامم.

- **خلاقیت:** در این لحظات، حقیقت مرا به پیش می‌راند.
- **کمال:** خدا مرا برای این فرایند را آفرید. اوست که موجب می‌شود از بهترین عطیه‌هایم استفاده می‌کنم و به من شادی می‌بخشد.

- **سداقت و راستی:** وقتی ایده‌ای را در ذهنم بررسی می‌کنم، انگیزه‌های حقیقی‌ام را کشف می‌کنم.

- **مهربانی:** هنگام شکل‌دهی فکر، درمی‌یابید چه باوری دارید و چه مواردی به راستی مهم هستند.

- **تغییر:** بیشتر تیراژه‌ها در زندگی‌ام ایجاد کرده‌ام، از تفکر روی موضوعی حاصل شده است.

اغلب، هر جا که بخواهید، می‌توانید افکار خود را شکل دهید. فقط مکان مناسبی پیدا کنید؛ جایی که بتوانید بنویسید، توجه خود را بدون مزاحمت متمرکز سازید و درباره ایده‌های خود، پرسش‌هایی مطرح کنید.

۳. مکانی را برای گسترش افکار خود پیدا کنید: اگر افکار مهم و بزرگی به ذهنتان رسید و زمانی را صرف شکل‌دهی آن‌ها کنید، فکر نکنید که کار شما پایان یافته و باید همان‌جا توقف شوید، زیرا در این صورت برخی از ارزشمندترین جنبه‌های فرایند فکرکردن را از دست می‌دهید. از پی‌بردن به دیگر افکار خود باز می‌مانید و نمی‌توانید ایده‌هایتان را عملی کنید.

من پیش از این، اغلب مرتکب این خطا می‌شدم. می‌خواستم ایده‌ای را از مرحله بذر فکر تا راه‌حل دنبال کنم؛ بدون این‌که آن را با کسی در میان بگذارم؛ سپس فهمیدم که با مشورت در محل کار و منزل می‌توانم با کمک

گروه، بیشتر از زمان تنها فکر و عمل کردن، موفق شوم.

در این جا نوعی فرمول یافته‌ام که کمکتان می‌کند افکارتان را گسترش دهید. فرمول مورد نظر ما این است:

فکر درست + افراد درست و مناسب در محیط درست و زمان درست
به دلیل درست = نتیجه درست و مناسب

این ترکیب با دشواری به دست می‌آید. مثل همه، هر فکری پتانسیلی دارد تا به چری مهم تبدیل شود. وقتی مکانی را برای گسترش افکار خود پیدا می‌کنید، به آن پتانسیل می‌رسید.

۴. مکانی را برای عملی کردن افکار خود بیابید: سی.دی جکسون، نویسنده، می‌گوید: «ایده‌های بزرگ، مثل بال به ترمزی برای فروآمدن نیاز دارند.» هر ایده‌ای که نقطه ضعف دارد، ایده باقی می‌ماند، تأثیر چندانی نمی‌گذارد. قدرت واقعی یک ایده، زمانی آشکار می‌شود که از حالت مطلق به حالتی عملی و کاربردی درمی‌آید. رابرت گریر، نظریه نسبیت اینشتین فکر کنید. وقتی او نظریه‌هایش را در سال ۱۹۰۵ و ۱۹۱۶ منتشر کرد، فقط ایده‌هایی ژرف بودند و قدرت واقعی‌شان با توسعهٔ راکتور هسته‌ای در سال ۱۹۴۲ و بمب هسته‌ای در سال ۱۹۴۵ آشکار شد؛ سپس هنگامی که دانشمندان ایده‌های اینشتین را به کار برده و گسترش دادند، کل دنیا تغییر کرد.

همین‌طور، اگر می‌خواهید افکار شما تأثیرگذار باشد، لازم است آن‌ها را با دیگران در میان بگذارید تا بتوانند آن‌ها را روزی به کار ببرند. وقتی برای کاربرد فرایند فکری برنامه می‌ریزید، ابتدا افکار خود را با این افراد در میان بگذارید و این افراد عبارت‌اند از:

• **خودتان:** طرح یک ایده با خودتان موجب کمال شما می‌شود. مردم

زمانی به ایده‌ای اهمیت می‌دهند که آن را از فردی مهم بشنوند. پیش از تدریس هر موضوع، از خودم سه سؤال می‌کنم: «آیا آن را باور دارم؟ آیا

خودم به آن عمل می‌کنم؟ آیا ایمان دارم که دیگران هم باید به آن عمل کنند؟» اگر به هر کدام از این پرسش‌ها، پاسخ منفی دادم، پس آن را بیان نمی‌کنم.

• **افراد مهم:** اگر افراد تأثیرگذار از ایده‌ای استقبال نکنند، آن ایده عملی نمی‌شود. از آن گذشته، افرادی هستند که ایده‌ها را به‌صورت عملی درمی‌آورند.

• **افرادی که بیشتر از همه به آن علاقه دارید:** مطرح کردن افکار تان با افراد مشتاق به شما نگرشی بزرگ می‌دهد. افرادی که به تغییرات علاقه مند باشند با دادن ایده جدید به شما، «واقعیت» را نشان می‌دهند و این مهم است، زیرا برای زمانی که شما فرایند آفرینش یک فکر را با پشتکار دنبال می‌کنید، آن‌ها شکل می‌دهید و با دیگر افراد خوش‌اندیش در میان می‌گذارید، از آن‌ها ممکن است نشانه‌ها را از دست بدهید.

۵. **برای به پرواز درآوردن ایده‌تان خود، مکانی را پیدا کنید:** فیلسوف فرانسوی، هنری لوئیس برگسون، که در سال ۱۹۲۷ برندهٔ جایزهٔ نوبل شد، گفت: «باید مثل مرد عمل فکر کنید، و مثل مرد تفکر عمل کنید.» اگر به فکر خود در زندگی واقعی عمل نکنید چه فایده‌ای دارد؟ فکر بدون عمل بی‌فایده است. اگر بیاموزید بر فرایند فکر خود مسلط شوید، به تفکر خلاقانه می‌رسید. اگر بتوانید به‌طور منظم خوب فکر کنید و آن را به عادت همیشگی خود تبدیل کنید، همهٔ فکرهای خوب شما موفق و مفید واقع می‌شود و این به عادت همیشگی‌تان تبدیل شده و پرواز دادن فکرتان به کاری تفریحی و شاد و آسان تبدیل می‌شود.

تصویری از فردی خوش‌فکر

اغلب می‌شنوید که می‌گویند همکار یا دوستی «خوش‌فکر» است؛ اما معنی

آن عبارت برای هرکس متفاوت است. این مفهوم، برای یک نفر یعنی داشتن هوش بالا، درحالی که برای دیگری یعنی توانایی درک و کشف داستانی مرموز و پرحادثه و پلیسی. به نظر من خوش فکری فقط به یک معنا نیست، بلکه شامل چندین مهارت فکری خاص است. خوش فکری یعنی پرورش مهارت‌های فردی و تبدیل آن به بهترین توانایی شما.

مهم نیست فقیر متولد شده‌اید یا ثروتمند، مهم نیست مدرک تحصیلی شما سوء راهنمایی است یا دکترای مهم نیست چندین ناتوانی دارید یا فردی کاملاً سالم هستید، مهم نیست در چه شرایطی قرار دارید، چراکه به هر صورت می‌توانید خوش فکری را یاد بگیرید. فقط باید هر روز در این فرایند شرکت کنید.

در کتاب ساخته شدن راجع به اثر جیم کولینز و جری پوراس، معنی شرکت رویاگر بودن را توصیف می‌کند، شرکتی که اوج موفقیت تجارت آمریکایی را مجسم می‌کند. آن‌ها این شرکت را به این ترتیب توصیف می‌کنند:

شرکت رویاگر، همچون اثری هنری بزرگی است. به صحنه‌های میکال آنژ از کتاب پیدایش در سقف کلیسای کوچک سیستین یا به جسمه داوود، به رمان بزرگ و به یادماندنی هاکلبری فین یا جنایت و مکات رسالت‌هایی که به زیبایی طراحی شده، شاهکار فرانک لوید رایت یا لوود ویگ مریسون در روهه^۱ فکر کنید. نمی‌توانید فقط یک ویژگی از آن‌ها اشاره کنید. همه قطعات با هم کار می‌کنند تا تأثیری کلی برجای بگذارند و همین به خلق عظمت ماندگار منجر می‌شود.

خوب فکر کردن نیز همین‌طور است. شما به همه قطعات فکر کردن نیاز دارید تا به فردی خوش فکر تبدیل شوید که می‌تواند به موفقیت‌های عظیم

1. Ludwig Mies Van der Rohe

۲۰ ✓ افراد موفق چگونه فکر می‌کنند؟

دست یابد. آن قطعات، شامل یازده مهارت زیر است:

- مشاهده حکمت بزرگ فکر کردن؛
 - رها کردن پتانسیل تفکر متمرکز؛
 - کشف شادی تفکر خلاق؛
 - شناخت اهمیت تفکر واقع‌گرایانه؛
 - رها سازی قدرت تفکر راهبردی؛
 - احساس انرژی تفکر ممکن و احتمالی (فکر کردن به ممکن‌ها)؛
 - استفاده از دیدن‌های تفکر انعکاسی (وابسته به طرز فکر)؛
 - بررسی میزان بازگرفته‌شدن تفکر عموم؛
 - تشویق به سرعت در تفکر مشترک (هم‌اندیشی)؛
 - رضایت حاصل از تجربه تفکر خیرخواهانه و غیرخودخواهانه؛
 - لذت بردن از نتیجه بازمانده تفکر درباره نتیجه (فکر کردن از آخر به اول).
- هنگامی که فصل‌های مسیر یادگیری هرگونه تفکر را مطالعه می‌کنید، درمی‌یابید که آن‌ها سعی ندارند به شما بگویند درباره چه چیز فکر کنید، بلکه می‌کوشند چگونه فکر کردن را به شما آموزش دهند. در ضمن، همان‌گونه که با هر مهارت آشنا می‌شوید، درمی‌یابید که برخی از آن‌ها را خوب انجام می‌دهید و برخی را نه. یاد بگیرید هر کدام از آن مهارت‌های مربوط به انواع تفکر را تقویت کنید تا بهتر فکر کنید و در همه آن‌ها مهارت بیابید؛ از جمله فرایند تفکر مشترک که کمکتان می‌کند در لحظات ضعف خود کار کنید تا زندگی‌تان تغییر یابد.